

ترتیبات خلق پول عادلانه

سید مهدی حسینی دولت‌آبادی

دکترای اقتصاد از دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران.

sm.hosseini@ut.ac.ir

چکیده

عدالت یکی از ارزش‌ها و معیارهایی است که فلاسفه و مصلحان اجتماعی در طول تاریخ به آن پرداخته‌اند و در قرآن نیز هدف ارسال رسل و انزال کتب آسمانی، قیام مردم برای برپایی آن بیان شده است. در حوزه اقتصاد، عدالت در مواردی مطرح می‌شود که تعارض یا تضاد منافع وجود داشته باشد. یکی از حوزه‌های تعارض منافع که آثار درخور توجهی در توزیع ثروت و درآمد در اقتصاد دارد، ترتیبات خلق پول در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزی است. در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزی، بانک‌ها از امتیاز و حق ویژه خلق پول برخوردارند که منافع درخور توجهی نصیب آنها خواهد کرد. براین اساس می‌توان عدالت را به عنوان معیار ارزیابی و طراحی ترتیبات خلق پول در نظر گرفت. نکته اساسی در طراحی ترتیبات خلق پول عادلانه آن است که بانک‌ها امکان خلق پول نداشته باشند و منافع ناشی از خلق پول به طور برابر به همه مردم اختصاص یابد. بدین منظور باید چارچوبی را طراحی کرد که در آن بدهی بانک‌ها پول نباشد و خلق پول تنها در انحصار بانک مرکزی قرار گیرد.

کلیدواژگان: نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزی، خلق پول، عدالت،

توزیع درآمد، توزیع ثروت.

مقدمه

ترتیبات خلق پول و به بیان دیگر چگونگی ورود پول به اقتصاد، یکی از اجزای اصلی نظام‌های پولی است. بائرسیویل^۱ (۲۰۱۴) نظام پولی را قواعد تنظیم‌کننده نهادهای خلق پول می‌داند. براین اساس آنچه یک نظام پولی را از نظام پولی دیگر متمایز می‌کند، قواعد تنظیمات نهادهای خلق پول در آن نظام است. اهمیت نظام پولی و به تبع آن ترتیبات خلق پول، منتج از جایگاه و اهمیت پول در اقتصاد است. پول از گذشته‌های بسیار دور - زمانی که حتی خط اختراع نشده بود^۲ - وارد تعاملات انسانی شد و به رغم تحولات فراوانی که در آن صورت گرفته، هنوز به شکل گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. پول به گونه‌ای در تار و پود تعاملات و مبادلات انسانی وارد شده که تصور دنیایی بدون پول غیر ممکن است.

با توجه به ابعاد گسترده پدیده پول، مطالعات درخور توجهی در علم اقتصاد و علوم دیگر همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم سیاسی درباره پول و اثرات آن انجام شده است. البته بعد اقتصادی پول نسبت به دیگر ابعاد آن اهمیت بیشتری دارد و به همین دلیل نیز مباحث پولی در علم اقتصاد، جایگاهی ویژه دارد. دیویدسون^۳ (۱۹۷۲) بیان می‌کند که اقتصاددانان احتمالاً تلاش بیشتری درباره موضوع پول نسبت به دیگر موضوعات کرده‌اند و نظریه پولی تقریباً به هر شاخه دیگر تحلیل اقتصادی ارتباط^۴ دارد.

مطالعاتی که درباره پول در علم اقتصاد انجام شده، عمدتاً با محوریت تحلیل آثار آن بر متغیرهای بخش حقیقی و بخش پولی (بحث خنثایی پول) بوده است که دلالت‌های مهمی در حوزه سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه در مواجهه با نوسانات اقتصادی داشته است.

اقتصاددانانی که در حوزه ترتیبات خلق پول آثاری دارند (کسانی همچون سیمونز، فیشر، فریدمن، اله، فیلیس، رابرد و دی‌سوتو) نیز عمدتاً با محوریت ثبات اقتصادی و یا نقطه مقابل آن نوسانات اقتصادی، نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی (نظام پولی که در حال حاضر در کشورهای جهان حاکم است) را نقد، و ترتیبات جای‌گزین ارائه کرده‌اند. برای نمونه فریدمن (۱۹۵۹) ترتیبات خلق پول در نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی را منشأ نوسانات پولی و به تبع آن

1. Baeriswyl

۲. تاریخ استفاده از پول به سه هزار سال پیش از میلاد (۳۰۰۰ BC) باز می‌گردد و اولین خطوط یافته شده مربوط به بیان حساب‌ها بوده است. (هاچیسون و دیگران، ۲۰۰۲، ۴۷) لذا حتی پیش از زمانی که نوشتن و خط کشف شود، پول وجود داشته است.

3. Davidson

4. impinge on

نوسانات در بخش حقیقی اقتصاد می‌داند و ترتیبات جای‌گزین (نظام بانک‌داری با ذخیره کامل) را پیشنهاد می‌کند.

در این مقاله نشان داده خواهد شد که ترتیبات خلق پول را از منظر عدالت نیز می‌توان بررسی کرد و بر اساس آن چارچوبی جای‌گزین برای خلق پول ارائه داد. بر این اساس در بخش دوم درباره عدالت و عرصه‌هایی که می‌توان در آنها از عدالت سخن گفت، بحث خواهد شد. در بخش سوم ترتیبات خلق پول کنونی از منظر عدالت مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در نهایت در بخش چهارم، ترتیبات خلق پول عادلانه ارائه خواهد شد.

۱. عدالت و عرصه‌های آن

عدالت یکی از موضوعاتی است که در طول تاریخ بشر، همواره مورد توجه فلاسفه و اندیشمندان، مصلحان اجتماعی و ادیان الهی بوده است. خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید هدف از ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی را قیام مردم جهت برپایی قسط و عدالت بیان می‌کند. توسلی (۱۳۷۵، ص ۶) در یک تقسیم‌بندی کلی بیان می‌کند که مسئله عدالت در سه حوزه معارف بشری، همواره مورد بحث بوده و هست:

- در علم کلام که عدالت به عنوان وصف فعل ربوبی و یا کیفیت نظام تکوین مطرح می‌شود؛
- در علم اخلاق که عدالت به عنوان وصف فعل انسانی و عادلانه بودن رفتار آدمی مورد بحث است؛

- در علوم اجتماعی^۱ (مانند اقتصاد و سیاست) که عدالت به معیار حقانیت مناسبات و نظام‌های اجتماعی اشاره می‌کند.

آنچه در این مقاله از آن بحث می‌شود، معطوف به حوزه سوم است که اصطلاحاً عدالت اجتماعی نیز نامیده می‌شود؛ چراکه مسئله اصلی ترتیبات خلق پول و به عبارت دیگر نظام پولی می‌باشد. در دانش اقتصاد، معمولاً در مواجهه با بحث کارایی، بحث برابری و یا عدالت مطرح می‌شود، اما عرصه‌های عدالت بسیار وسیع‌ترند. از منظر ساگدن^۲ (۲۰۰۵، ص ۱۵۰) در شرایطی که تعارض منافع وجود داشته باشد، عموماً ایده عدالت فراخوانده می‌شود. هیوم^۳ (۲۰۰۹، ص ۷۵۶) نیز پیش‌تر همین مطلب را به شکلی دیگر و با تأکید بر علت ایجاد تعارض منافع بیان

1. Social Science
2. Sugden
3. Hume

کرده است. او معتقد است که منشأ مطرح شدن عدالت، خودخواهی و خیرخواهی محدود انسان از یک سو و کمیابی در طبیعت از سوی دیگر است. بر اساس این نگاه، گستره عرصه عدالت، کلیه نظامات اقتصادی و زیر مجموعه‌های آنها خواهد بود؛ چراکه ایجاد همسویی در منافع بسیار بعید است. در واقع حتی در شرایطی که بهبود پاره‌تویی^۱ رخ دهد، باز بحث درباره نحوه تسهیم منافع حاصله باقی خواهد بود.

درباره معنا و ماهیت عدالت و نقطه مقابل آن یعنی ظلم، به نظر می‌رسد که همه انسان‌ها درک اولیه‌ای دارند و در مواجهه با بسیاری از موقعیت‌ها، حکم به عادلانه بودن و یا ظالمانه بودن می‌کنند. مثلاً همه افراد، اختصاص یک امکان و اعطای یک موهبت اقتصادی به یک فرد خاص را، در شرایطی که دلیلی برای تمیز آن فرد نسبت به دیگران وجود نداشته باشد (ترجیح بلا مرجح)، ظلم و بی‌عدالتی می‌دانند. در همین راستا قدما عدالت را اعطای حق به صاحب حق (اعطاء کُلِّ ذی حَقِّ حَقَّهُ) دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۸۰، ۲۰۵). این تعریف پیوندی میان حق و عدالت برقرار می‌کند. بر همین مبنا در شرایطی که شناخت حق در محل نزاع آسان باشد، همچون مثالی که بیان شد، حکم درباره عادلانه یا ظالمانه بودن آسان خواهد بود؛ اما در شرایطی که پیچیدگی‌ها، شناخت حق را دشوار کند، به آسانی نمی‌توان درباره عدالت بحث کرد. به نظر می‌رسد که نظامات اجتماعی و اقتصادی از قسم دوم باشد؛ چراکه با تشکیل جامعه و گسترش آن، فرصت‌ها، امکانات و امتیازات بسیاری ایجاد می‌شود که با توجه به پیچیدگی روابط و سازوکارها، شناخت حق و توضیح محل نزاع و در نهایت طراحی ترتیبات عادلانه بسیار دشوار است.

براین اساس باید در مرحله اول نشان داد که در مسئله خلق پول و ترتیبات آن تعارض منافع میان گروه‌های مرتبط وجود دارد و سپس می‌توان با تبیین ابعاد مسئله، حق و ذی‌حق و ترتیبات عادلانه را مشخص کرد. گفتنی است که در اقتصاد، عمدتاً نگاه توزیعی به عدالت دارند.

۲. ترتیبات خلق پول و تعارض منافع

برای نشان دادن تعارض منافع در ترتیبات خلق پول، همچون دیگر مطالعاتی که درباره ترتیبات خلق پول انجام شده است، نظام پولی کنونی و ترتیبات خلق پول آن را به عنوان نقطه آغاز در نظر می‌گیریم. در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی^۲ سه نوع پول اسکناس و مسکوک، ذخایر

1. Pareto

۲. وجه تسمیه این نظام پولی آن است که بانک‌ها موظف‌اند جزء یا درصدی (نرخ ذخیره قانونی) از سپرده‌هایی را که خلق (ایجاد) کرده‌اند، نزد بانک مرکزی ذخایر نگه دارند. البته در بعضی کشورها مثل انگلستان، سوئیس و استرالیا،

(پولی که میان بانک‌ها با یکدیگر و با بانک مرکزی جریان دارد) و سپرده‌های بانکی وجود دارد که دو نوع اول توسط بانک مرکزی و نوع سوم توسط بانک‌ها خلق می‌شود.^۱

در این نظام پول، بدهی (IOU)^۲ نهاد منتشرکننده است که در چارچوب عملیات ترازنام‌های خلق می‌شود و در مقایسه با طلا و نقره مسکوک که در قرن‌های گذشته جریان داشته است، هیچ‌گونه ارزش ذاتی‌ای ندارد و اصطلاحاً پول دستوری^۳ نامیده می‌شود. هزینه‌های ناچیز خلق پول در مقایسه با ارزش اسمی پولی که خلق می‌شود، منافع درخور توجهی را نصیب نهاد خلق‌کننده آن می‌کند.

بانک مرکزی، از لحاظ مالکیتی یک نهاد عمومی است و لذا منافع ناشی از فعالیت‌های آن علی‌القاعده باید به عموم مردم برسد؛^۴ اما بانک‌ها عمدتاً خصوصی‌اند و لذا منافع ناشی از فعالیت‌های آنها به سهام‌داران و مدیران آن خواهد رسید. چنانچه بانک دولتی باشد نیز منافع خلق پول به سهام‌دار آن، یعنی دولت می‌رسد. در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی، بانک‌ها از طریق فرایند وام‌دهی و یا سرمایه‌گذاری مستقیم (از هیچ) پول یا سپرده جدید خلق می‌کنند. سپرده‌های بانکی که در واقع بدهی بانک هستند، این قدرت و امکان را به دارنده آن می‌دهند که کالاها و خدمات تولیدشده و دارایی‌های افراد را تصاحب کنند.

امکان خلق پولی که در اختیار بانک‌ها قرار گرفته، موجب دسترس بدون محدودیت به پول

نرخ ذخیره قانونی صفر است. در ایران در حال حاضر نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های بانکی بین ۱۰ تا ۱۳ درصد است. ۱. مک‌لی و همکاران (۲۰۱۴). در مقاله‌ای که توسط بانک انگلستان - که بانک مرکزی انگلستان به شمار می‌آید - چاپ شده است، درباره خلق پول بانکی و جایگاه بانک‌ها در نظام پولی می‌گویند: «یکی از تصورات غلطی که درباره بانک‌ها شایع است، این می‌باشد که بانک‌ها همچون واسطه‌های مالی عمل می‌کنند؛ یعنی سپرده‌هایی که پس‌اندازکنندگان در اختیار آنها قرار داده‌اند را وام می‌دهند. در این نگاه سپرده‌ها توسط تصمیمات خانواده‌ها بر پس‌انداز خلق می‌شوند و سپس بانک‌ها این سپرده‌ها را به متقاضیان - به عنوان نمونه شرکت‌هایی که به دنبال تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌شان هستند و یا افرادی که می‌خواهند مسکن بخرند - وام می‌دهند. آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد آن است که بانک‌ها ابتدا تصمیم می‌گیرند بر اساس فرصت‌های وام‌دهی که در پیش‌رو دارند، به چه میزان وام دهند. نتیجه این تصمیم وام‌دهی بانک‌ها است که حجم سپرده‌های بانکی را تعیین می‌کند». در واقع آنچه مک‌لی و همکارانش بیان می‌کنند، این است که آنچه در واقعیت روی می‌دهد، دقیقاً عکس آن چیزی است که توسط رویکرد ضریب فزاینده توضیح داده می‌شود. به بیان دیگر سپرده‌ها نیستند که موجب ایجاد وام می‌شوند، بلکه این وام‌ها هستند که سپرده‌های جدید ایجاد می‌کنند. برای مطالعه بیشتر درباره چگونگی خلق پول، ر.ک: حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۵). ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی. ۱۶، ۱۷۳-۱۹۸.

2. I owe You

3. fiat money

۴. البته این امکان هست که مردم یک کشور به طور نابرابر از منابع عمومی مثل بودجه و ... برخوردار شوند.

برای استفاده از فرصت‌ها جهت کسب سود شده است. در واقع به واسطه نوسانات اقتصادی و مالی، همواره فرصت‌هایی برای سفته‌بازی و کسب سود در اقتصاد پدید می‌آید که تنها افرادی می‌توانند از آن منتفع شوند که به پول، دسترس داشته باشند. بانک‌ها به واسطه امتیازی ویژه‌ای که در اختیار دارند (بدهی آنها پول است)، امکان بهره‌مندی از این فرصت‌ها را دارند که انتفاع مدیران، سهام‌داران و مرتبطان آنها را در پی دارد. این شرایط منجر به تغییر توزیع ثروت و درآمد در جامعه خواهد شد.

عاملی که این تغییر در توزیع ثروت و درآمد را تشدید می‌کند، تورم است. در ادبیات اقتصاد کلان از خلق پول برای تأمین کسری بودجه دولت، با عنوان مالیات تورمی یاد می‌شود که در آن دولت مخارج خود را به صورت غیر مستقیم و از طریق ایجاد تورم، به هزینه مردم تأمین می‌کند. این شرایط در خلق پول بانک‌ها نیز محقق می‌شود - چراکه خلق پول بانک‌ها افزایش نقدینگی و تورم را در پی دارد- و فقط یک تفاوت وجود خواهد داشت و آن هم این است که نهاد منتفع‌شونده، بانک‌ها و مرتبطان آنها خواهند بود. هالسمن^۱ (۲۰۰۸، ص ۴۸) در این باره می‌گوید: «تولید (خلق) پول جدید متضمن بازتوزیع درآمد حقیقی از مالکان ثانویه پول به مالکان اولیه پول است»^۲. به بیان دیگر به سبب افزایش تدریجی سطح قیمت‌ها و کاهش تدریجی قدرت خرید پول، توزیع درآمد به نفع نهاد یا افرادی که در ابتدا به پول دسترس پیدا می‌کنند، تغییر خواهد کرد. هالسمن بیان می‌کند که امکان جلوگیری از این بازتوزیع درآمدی حتی برای کسانی که از آن اطلاع دارند، وجود ندارد. افراد تنها می‌کوشند که موقعیت نسبی خود را در این روند کاهش قدرت خرید پول بهبود بخشند و در واقع خود را به خلق‌کنندگان این پول نزدیک کنند (هالسمن، ۲۰۰۸، ص ۴۹).

در همین راستا برخی اقتصاددانان به آثار توزیعی ترتیبات خلق پول در نظام بانک‌داری مبتنی ذخیره جزئی اشاره کرده‌اند. موریس اله، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۸، نظام ذخیره قانونی را عامل اخلال در توزیع درآمد جامعه می‌داند. او فعالیت خلق اعتبار را که توسط بانک‌ها روی می‌دهد، همچون جعل اسکناس و وام دادن آن در مقابل بهره می‌داند. به بیان دیگر اله بیان می‌کند که خلق پول توسط بانک‌ها نوعی جعل و دزدی به شمار می‌رود که البته به صورت قانونی تحت نظام ذخیره قانونی جزئی شکل می‌گیرد.

در واقعیت، معجزه‌ای که از طریق اعتبار رخ می‌دهد به طور اساسی قابل مقایسه با آن

1. Hulsman

2. Money production therefore redistributes real income from later to earlier owners of the new money.

چیزی است که جاعلان^۱ با وام دادن اسکناس‌های تقلبی‌شان در مقابل دریافت بهره انجام می‌دهند. در هر دو مورد، اثر تحریکی بر اقتصاد یک‌سان است و تنها تفاوت در آن است که چه کسی نفع می‌برد (فلیپس،^۲ ۱۹۹۲).

رثبارد^۳ نیز در نقد نظام ذخیره جزئی بیانی مشابه دارد و به حقوق مالکیت اشاره می‌کند: به نظر من انتشار تعهدات به پرداخت آتی^۴ بیشتر از مقدار کالاهای در دسترس، تقلب^۵ است و لذا باید توسط نظام حقوقی در نظر گرفته شود. بدین منظور است که بانک رسیده‌های جعلی از طلا را منتشر می‌کند، درحالی‌که چنین چیزی در صندوق بانک وجود ندارد. این یک تقلب قانونی^۶ است. این خلق پول فارغ از هر گونه ضرورتی برای تولید است تا با کسانی که پیش‌تر تولیدی داشته‌اند، در دستیابی به منابع رقابت کنند. به طور خلاصه من معتقدم نظام بانکی مبتنی بر ذخیره قانونی جزئی فاجعه‌ای هم برای اخلاق و هم برای پایه‌ها و نهادهای اساسی اقتصاد بازار است (رثبارد، ۲۰۰۱، ص ۴۴-۴۵). استفاده از واژگانی همچون جعل و تقلب که توسط اله و رثبارد برای خلق پول بیان شده است، حکایت از منافعی دارد که در فرایند خلق پول دستوری نهفته است و اثرات توزیعی خواهد داشت^۷ براین‌اساس در ترتیبات خلق پول در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی و به طور کلی در نظام پولی که در آن پول دستوری خلق می‌شود، نوعی تضاد و یا تعارض منافع میان سهام‌داران، مدیران و مرتبطان نهاد خلق‌کننده پول و دیگر فعالان اقتصادی و عموم مردم وجود دارد.^۸ براین‌اساس می‌توان از ترتیبات خلق پول عادلانه سخن گفت و به بیان دیگر می‌توان معیار عدالت را جهت طراحی ترتیبات خلق پول مطلوب به کار برد.

1. counterfeiters
2. Philips
3. Rothbard
4. on demand
5. fraud
6. legalized counterfeiting

۷. چنانچه تفاوت میان ارزش اسمی و محتوای فلزی سکه‌های فلزی نیز بیش از هزینه‌های مربوط به ضرب آن باشد، خلق پول‌های فلزی نیز آثار توزیعی خواهد داشت.

۸. بر اساس گزارش بانک مرکزی، در سال ۱۳۹۴ بانک‌ها در قالب ارائه تسهیلات ۴۱۷۳۲۰۰ میلیارد ریال (بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان) -حدود ۱/۵ (یک‌ونیم) برابر بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۹۴ و حدود ۳۹ درصد تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت‌های جاری در سال ۱۳۹۳- سپرده جدید و به بیان دیگر قدرت خرید جدید در اقتصاد خلق کرده‌اند. مسئله مغفول در این زمینه، نحوه تسهیم و به بیان دیگر میزان دسترسی عموم فعالان اقتصادی است به این پول جدید است که آثار توزیعی عظیم مستقیم و غیرمستقیم (از طریق تورم) در پی دارد.

۳. ترتیبات خلق پول عادلانه

پول بودن بدهی بانک‌ها و امکان خلق پول از سوی آنها در نظام بانک‌داری، مبتنی بر ذخیره جزئی یک حق ویژه و یا یک امتیاز مخصوص برای بانک‌ها به شمار می‌آید که دلالت‌های توزیعی درخور توجهی در جامعه دارد. مسئله اصلی در حوزه عدالت این است که چرا بانک‌ها باید از این حق ویژه و امتیاز مخصوص بهره‌مند باشند و یا با چه عنوان و به چه دلیلی از حق خلق پول در جامعه برخوردار شده‌اند؟

بانک‌ها این امکان را در یک روند تدریجی تاریخی به دست آورده‌اند. فیشر (۱۹۳۶، ص ۱۱) معتقد است که بانک‌داری سپرده‌ای^۱ اولیه مبتنی بر اصل نگه‌داری صد درصدی ذخایر بوده است و بانک آمستردام در قرن ۱۷ چنین رویه بانکی‌ای را دنبال می‌کرده است. این بانک دریافته بود که باید در هر لحظه از زمان به اندازه پول بانکی که منتشر کرده، در صندوق بانک پول مسکوک^۲ داشته باشد؛ اما پس از ۱۸۲ سال فعالیت بانک آمستردام تعهد خود به نگه‌داری ذخیره ۱۰۰٪ را شکست و به صورت مخفیانه برخی ذخایر خود را وام داد. در واقع خلق پول بانک‌های اولیه متضمن نوعی نقض عهد از سوی بانک‌ها مبنی بر انتشار رسیدهای کاغذی فراتر از مسکوکات طلا و نقره بوده است؛ اما به مرور زمان این امر به صورت یک حق درآمده است.

البته در طول تاریخ برخی به دنبال حذف خلق پول بانک‌ها، با توجیه آثار آن بر بی‌ثباتی اقتصادی بوده‌اند. برای نمونه در انگلستان پیش از سال ۱۸۴۴ بانک‌ها علاوه بر ایجاد سپرده‌های بانکی، امکان انتشار اسکناس‌های کاغذی را هم داشتند؛ اما سر رابرت پیل، نخست‌وزیر انگلستان در راستای مباحث اقتصاددانان مکتب پولی^۳ در آن دوره، بر اساس قانونی که به قانون پیل معروف شد، خلق یا انتشار اسکناس توسط همه بانک‌ها جز بانک انگلستان را محدود کرد و بانک انگلستان نیز تنها در شرایط خاصی امکان انتشار اسکناس داشت (دیویس، ۲۰۰۲، ص ۳۱۶). بر اساس قانون پیل اگرچه بانک‌ها امکان انتشار اسکناس نداشتند، اما کماکان امکان خلق پول از طریق خلق سپرده‌های بانکی را داشتند. دی‌سوتو^۴ در این زمینه می‌گوید:

قانون بانکی پیل ۱۸۴۴ و قوانین شبیه آن، بیانگر تلاش‌هایی هستند تا به نوعی نظام استاندارد طلای خالص را ایجاد کنند؛ اما تلاش‌های ایشان ناکافی است، چراکه

1. deposit banking
2. specie
3. currency school
4. de Soto

محدودیت‌های آن‌ها تنها برای اسکناس‌های بانکی^۱ در جریان است و حساب‌های بانکی ای را که می‌توان از طریق چک از آنها برداشت کرد، در نظر نمی‌گیرند. بنیان‌گذاران مکتب پولی شباهت ذاتی میان پرداخت از طریق چک و پرداخت از طریق اسکناس را درک نکردند (دی‌سوتو، ۲۰۱۲، ص ۷۱۹).

فیشر نیز که پس از بحران بزرگ ۱۹۳۹ به همراه برخی اقتصاددانان دیگر به دنبال اصلاح نظام پولی و بانکی در جهت حذف قدرت خلق پول بانک‌ها (نظام بانک‌داری با ذخیره کامل) بود و در این راستا با رئیس‌جمهور و نمایندگان کنگره جلساتی داشت و به آنها طرح‌هایی نیز ارائه کرده بود، درباره علت عدم توفیق پیشنهادش در فرایند قانون‌گذاری در نامه به پسرش می‌نویسد: «کنگره آماده پذیرش ایده ذخیره صد درصدی است، اما رئیس‌جمهور از بانک‌داران می‌ترسد» (آلن، ۱۹۹۳). این وقایع نشان می‌دهد که حق خلق پول از سوی بانک‌ها، امری ناگزیر و محتمل نبوده است. چنانچه به عملیات بانکی و خدماتی که بانک ارائه می‌کند، نیز رجوع کنیم، خواهیم دید که هیچ‌یک از آنها متوقف بر امکان خلق پول بانک‌ها نیست. بانک‌ها غیر از خلق پول، دو کارکرد دیگر نیز دارند. نخستین کارکرد آنها، واسطه‌گری مالی است. در واسطه‌گری مالی بانک‌ها منابع سپرده‌گذاران خرد را جمع می‌کنند و آن را به متقاضیان وجوه انتقال می‌دهند. این کارکرد بانک به هیچ وجه وابسته قدرت خلق پول بانک‌ها نیست و در حال حاضر بسیاری از مؤسسات مالی، واسطه‌گری مالی را بدون امکان خلق پول انجام می‌دهند. کارکرد دیگر بانک مربوط به خدمات نظام پرداخت است که فعالان اقتصادی از طریق آن اقدام به نقل و انتقال وجوه می‌کنند. این کارکرد نیز وابسته به خلق پول بانک‌ها نیست.

براین اساس فعالیت و کارکرد بانک‌ها به گونه‌ای نیست که وابسته به امکان خلق پول باشد تا بر اساس آن بتوان توجیه کرد که این حق باید به آنها اختصاص یابد. لذا با توجه به آثار توزیعی درخور توجه حق خلق پول، بر اساس معیار عدالت به نظر می‌رسد که ترتیبات خلق پول باید به شکلی سامان یابد که در آن، بانک‌ها امکان خلق پول نداشته باشند.

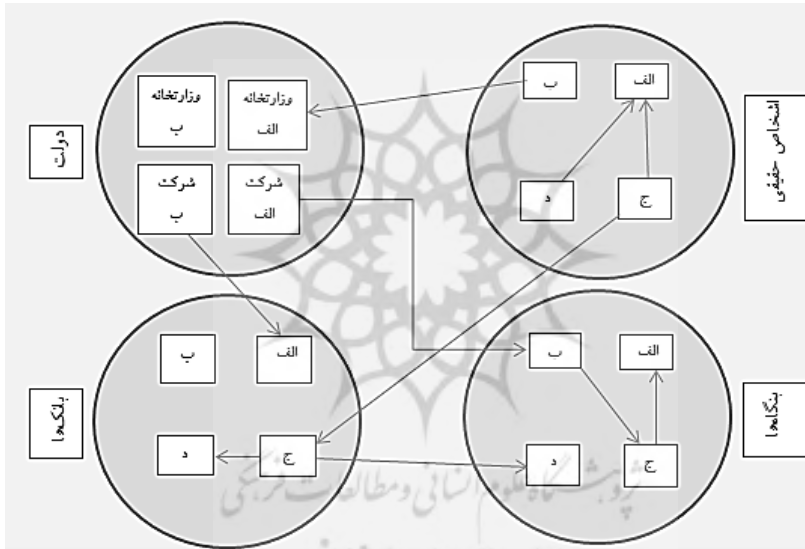
برای حذف خلق پول بانک‌ها، باید چارچوبی را طراحی کرد که در آن بدهی بانک‌ها پول نباشد. در واقع همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، امکان ویژه‌ای که در اختیار بانک قرار دارد و دیگر فعالان اقتصادی از آن محروم‌اند، این است که به واسطه ترتیبات قانونی و چارچوب حمایت دولت، بدهی‌های بانک پول است. راه‌حل اساسی برای انحصار خلق پول در بانک مرکزی و حذف

1. banknotes

2. Allen

خلق پول توسط بانک‌ها آن است که بدهی‌های بانک‌ها پول محسوب نشود تا بانک‌ها امکان خلق پول از طریق خلق بدهی نداشته باشند. به بیان دیگر، باید ترتیباتی را طراحی کرد که تنها بدهی‌های بانک مرکزی پول باشد. براین اساس نهاد بانک به واسطه‌ای مالی تبدیل خواهد شد که امکان خلق پول نخواهد داشت. اعمال این تغییرات در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی، موجب ایجاد تحول اساسی در نهاد بانک مرکزی و نهاد بانک خواهد شد.

در چنین ساختاری تنها بدهی‌های بانک مرکزی است که پول به شمار می‌آید و لذا تنها بانک مرکزی است که به عنوان نماینده دولت امکان خلق پول خواهد داشت. پول موجود در اقتصاد به صورت سپرده‌های شخصیت‌های حقیقی و حقوقی-دولت، بانک‌ها و بنگاه‌ها- نزد بانک مرکزی و یا اسکناس و مسکوک منتشرشده توسط آن خواهد بود.



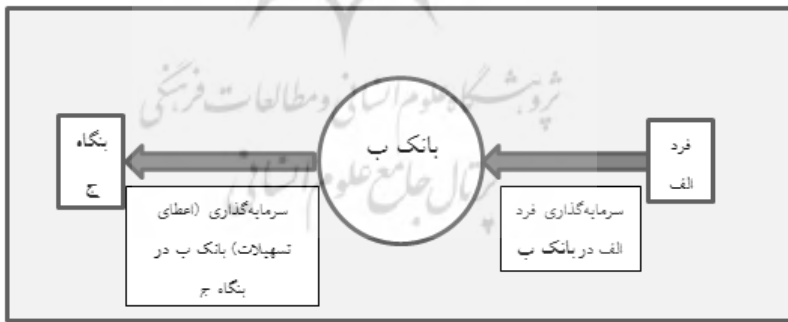
شکل ۱- ساختار حساب‌های سپرده‌ای اشخاص حقیقی و حقوقی نزد بانک مرکزی

بانک مرکزی در این چارچوب با ارائه خدمات پرداخت در اقتصاد، نیازهای معاملاتی افراد و نهادهای اقتصاد را رفع خواهد کرد. البته لزومی ندارد که خدمات پرداخت توسط خود بانک مرکزی صورت گیرد، بلکه بانک مرکزی می‌تواند نهادهایی را بدین منظور تأسیس کند. در حال حاضر خدمات پرداخت معمولاً از طریق بانک‌ها و از طریق شبکه‌ای مبادلات بین بانکی‌ای که بانک مرکزی ایجاد کرده است، صورت می‌گیرد. هر فرد می‌تواند دستور پرداختی را مبنی بر انتقال پول از حساب خود نزد یک بانک به حساب فردی دیگر در بانکی دیگر صادر کند. در این الگو

می‌توان این بخش‌ها را از بانک منفک کرد و بدین ترتیب خدمات پرداخت را به واسطه مؤسسات مستقل و ذیل بانک مرکزی و از طریق پول بانک مرکزی ارائه داد. فرایند آن نیز می‌تواند به این شکل باشد که هر شخص حقیقی و حقوقی‌ای نزد این مؤسسات حسابی داشته باشد و نقل و انتقال پول به این حساب‌ها در ازای کارمزد و از طریق این مؤسسات صورت گیرد. نکته مهم آن است که در این چارچوب، این مؤسسات امکان وام‌دهی (خلق پول) ندارند.

در این ساختار بانک‌ها به عنوان یک واسطه مالی صرف که امکان خلق پول ندارد، امکان وام‌دهی و یا سرمایه‌گذاری در اقتصاد را خواهند داشت. براین اساس منابع بانک‌ها جهت اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری تنها محدود به وجوهی^۱ می‌شود که از مردم جذب کرده باشند یا صاحبان و سهام‌داران بانک ارائه کنند.

افرادی که می‌خواهند وجوه خود را برای سرمایه‌گذاری در اختیار بانک قرار دهند، وجوه مورد نظر را از حساب خود نزد بانک مرکزی به حساب بانک نزد بانک مرکزی انتقال می‌دهند و در مقابل بانک نیز وجوه مورد نظر خود را از حساب خود نزد بانک مرکزی به حساب بنگاه‌ها یا افراد متقاضی تسهیلات انتقال می‌دهد. برای نمونه فرد الف بخشی از سپرده خود نزد بانک مرکزی را به حساب بانک ب نزد بانک مرکزی انتقال می‌دهد. بانک ب نیز بخشی از این وجوه را در قالب تسهیلات از طریق انتقال آن به حساب بنگاه ج نزد بانک مرکزی، در اختیار این بنگاه قرار خواهد داد.



شکل ۲- تأمین مالی از طریق بانک در چارچوب پیشنهادی

۱. منظور از وجوه در اینجا پولی (که توسط بانک مرکزی خلق شده است) که فرد برای کسب سود در اختیار بانک قرار می‌دهد و بانک آن را تسهیلات می‌دهد و یا در سرمایه‌گذاری به کار می‌گیرد. نکته مهم آن است که تسهیلات‌دهی و یا سرمایه‌گذاری بانک در این شرایط با پول سپرده‌گذار است و در خلق پول جدید از سوی بانک در این شرایط صورت نمی‌گیرد؛ چراکه بدهی بانک در این الگو پول نیست.

تفاوت اساسی ساختار بانک در این چارچوب با ساختار بانک در نظام بانک‌داری، مبتنی بر ذخیره جزئی آن است که بدهی‌های این بانک پول به شمار نمی‌آید. به بیان دیگر سپرده‌های مردم نزد بانک در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی، پول محسوب می‌شود و افراد می‌توانند از طریق آن اقدام به خرید دارایی، کالا و خدمات یا پرداخت بدهی کنند؛ درحالی‌که در شرایطی که مردم وجوه خود را به بانک در این چارچوب پیشنهادی انتقال دهند، قدرت خرید خود را به بانک انتقال داده‌اند و تا زمانی که بانک پول را مجدداً به حساب آنها نزد بانک مرکزی واریز نکرده است، امکان استفاده از آن را نخواهند داشت.

در این چارچوب کنترل کامل حجم پول در اختیار بانک مرکزی است و این نهاد می‌تواند با توجه به اهداف خود و وضعیت اقتصاد با افزایش موجودی سپرده‌های اشخاص حقیقی و حقوقی نزد خود، حجم پول را در اقتصاد افزایش دهد. مسئله اساسی در این چارچوب نحوه توزیع پول جدید در اقتصاد و به بیان دیگر نحوه تسهیم منافع ناشی از خلق پول جدید است. یک راه این است که بانک مرکزی پول‌های جدید را در اختیار دولت قرار دهد تا به عنوان بخشی از منابع دولت در راستای ایجاد زیرساخت‌ها در کشور مورد استفاده قرار گیرد؛ اما لزوماً همه افراد از خدمات ایجادشده از سوی دولت به صورت یک‌سان بهره‌مند نمی‌شوند و لذا منافع منابعی که در واقع متعلق به عموم مردم است، به بخشی از آنها اختصاص می‌یابد. براین اساس عادلانه‌تر است که بانک مرکزی پول جدید را به صورت یک‌سان میان همه افراد و به شکل افزایش موجودی حساب‌های آنها نزد خود افزایش دهد تا مردم به هر نحو که می‌خواهند از آن بهره‌برند. البته می‌توان سازوکارهایی را نیز به صورت مکمل طراحی کرد تا پول به سمت تولید برود، که البته این مطلب از حیطه موضوع این مقاله خارج است. در این چارچوب پیشنهادی، همه مردم از منابعی که به آنها تعلق دارد به صورت عادلانه‌تر بهره‌مند خواهند شد.

نتیجه‌گیری

در شرایطی که تعارض منافع وجود داشته باشد، می‌توان از عدالت و اتخاذ ترتیبات عادلانه سخن گفت. خلق پول به واسطه ماهیت پول مدرن و ترتیبات آن در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی، منافع درخور توجهی برای سهام‌داران، مدیران و مرتب‌بان بانک‌ها دارد که به تغییر توزیع درآمد و ثروت در جامعه خواهد انجامید.

بدهی بانک‌ها در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی پول محسوب می‌شود و بانک‌ها از طریق وام‌دهی و یا سرمایه‌گذاری مستقیم، پول جدید خلق می‌کنند. این امکان غیر از بانک مرکزی که یک نهاد عمومی به شمار می‌آید، تنها در اختیار بانک‌ها قرار دارد که منافع درخور توجهی برای آنها در پی خواهد داشت؛ چراکه به راحتی می‌توانند از فرصت‌های ایجاد شده برای سفته‌بازی و کسب سود استفاده کنند.

این حق ویژه و یا امتیاز خاص به واسطه عملیات و یا خدماتی که بانک ارائه می‌کند، به آن اختصاص نیافته است، بلکه بانک‌ها در طول زمان این حق را برای خود ایجاد کرده‌اند. لذا بر اساس تعریف اعطاء کل ذی حق حقه، بانک ذی حق امکان خلق پول نیست.

در ترتیبات خلق پول عادلانه، بدهی بانک‌ها پول به شمار نمی‌آید و لذا بانک‌ها امکان خلق پول نخواهند داشت و انحصار خلق پول تنها در اختیار بانک مرکزی خواهد بود. برای اینکه مردم به صورت عادلانه از منافع ناشی از خلق پول بهره ببرند، بانک مرکزی موجودی حساب مردم نزد خود را به میزانی که می‌خواهد بر حجم پول در اقتصاد بیفزاید، افزایش خواهد داد تا مردم به هر طریقی که صلاح می‌دانند از آن استفاده کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. توسلی، حسین (۱۳۷۵). مبانی نظری عدالت اجتماعی. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
۲. حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۵). ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکی اسلامی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی. ۱۶، ۱۷۳-۱۹۸.
۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). مجموعه آثار. ج ۲۱. تهران: انتشارات صدرا.
4. Allen, W. (1993). Irving Fisher and the 100 Percent Reserve Proposal. *The Journal of Law & Economics*, 36(2), 703-717
5. Davidson, P. (1972). Money and the World, *the Economic Journal*. 82 (325), 101-115.
6. Davis, G. (2002). **A History of Money, from Ancient Times to the Present Day**. Cardiff: University of Wales Press.
7. De Soto, J. H. (2012). *Money, Bank Credit, and Economic Cycles*. Alabama: Ludwig von Mises Institute.
8. Fisher, I. (1936, April). 100% Money and the Public Debt, **Economic Forum**. Spring Number, 406-420.
9. Friedman, M. (1959). **A Program for Monetary Stability**, New York: Fordham University Press.
10. Hulsmann, J. G. (2008). **the Ethics of Money Production**, Alabama: Ludwig von Mises Institute.
11. Hume, D. (2011). **Enquiries Concerning the Human Understanding and Concerning the Principles of Morals** (Indianapolis, IN: Online Library of Liberty).
12. Hutchinson, F.; Mellor, M. & Olsen, W. (2002). **The Politics of Money, Towards Sustainability and Economic Democracy**, London: Pluto Press.
13. McLeay, M., Amar, R., Ryland, T., (2014). **Money creation in the modern economy**. Bank of England Quarterly Bulletin, 54 (1), 14-27.
14. Phillips, R. J. (1992). "Credit Markets and Narrow Banking." The Levy Economics Institute Working Paper No. 77. Annandale-on-Hudson, N.Y.: The Levy Economics Institute of Bard College.
15. Rothbard, M. N. (2001). **The case for a 100 percent gold dollar** .Alabama: Ludwig von Mises Institute.
16. Sugden, R. (2005). **The Economics of Rights, Co-operation, and Welfare**. 2nd ed. New York: Palgrave Macmillan.